



## «خاطرات ایرج اسکندری» در یک نگاه

## فراز و فرودهای چپ در ایران از نگاهی نزدیک

■ شاهد توحیدی



خاطرات ایرج اسکندری، از منابع دست اول مطالعه درباره چپ قلمداد می‌شود.این خاطرات برای نخستین بار، به اروپای غربی سپس به وسیله مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، در ایران نشر یافت.
تاز نامی‌ناشر در معرفی این مجموعه، خاطر نشان می‌سازد: «خاطرات ایرج اسکندری، عنوان یکی دیگر از آثار منتشره مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است. این کتاب که در قطع وزیری و در ۶۶۶ صفحه منتشر شده به بیان خاطرات ایرج اسکندری که دبیر اول حزب توده ایران در فاصله ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ بوده، پرداخته است. ایرج اسکندری (متولد ۲۱ شهریور ۱۲۸۷ در تهران-متوفی ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ در آلمان شرقی)، از چهره‌های سیاسی کم و بیش شناخته شده دوران سلطنت محمد رضا پهلوی است که به دلیل شرایط زندگی او، خاطرات وی می‌تواند از ارزش خاصی برخوردار باشد و در زمره منابع تاریخ معاصر ایران جای گیرد. آنچه این اهمیت را سبب می‌شود به ویژه در دو بعد است: نخست، جایگاه ایرج اسکندری در تاریخ کمونیسم ایرانی است. اسکندری از در همین دوره فعالیت حزب کمونیست ایران، از نزدیکان دکتی ثرانی بود و به همین دلیل در زمره گروه ۵۳ نفره زندان رفت. او پس از سقوط استبداد رضاشاهی به همراه سایر دوستان خود، به تأسیس حزب توده ایران پرداخت و از همان آغاز از چهره‌های اصلی جناحی بود که در تعارض با جناح معروف به جناح کامبخش قرار داشت. به همین دلیل، خاطرات اسکندری سندی دست اول از شرح تحولات و تنازعات درونی حزب توده از آغاز تا پایان، از زبان

ایرج اسکندری

یکی از رهبران طراز اول آن محسوب می‌شود و از این زاویه، از اهمیتی در ردیف خاطرات احسان طبری و نورالدین کبیری برخوردار است. بعد دیگر زندگی سیاسی اسکندری که به خاطرات او اهمیت و وزن می‌دهد، مشارکت او در تحولات سیاسی سال‌های ۱۳۲۰- ۱۳۲۵ است. در این دوران، اسکندری از روابط نزدیکی با جناح احمد قوام (قوام‌السلطنه) برخوردار بود و در ایجاد پیوند میان حزب توده و جناح امریکایی قوام نقش مهمی به عهده داشت، تا بدانجا که برخی آگاهان سیاسی در ماجرای جلب حزب توده به ائتلاف با حزب دمکرات قوام‌السلطنه و مشارکت در دولت انتقالی، او را، برای ایرج اسکندری نقش تعیین کننده قائلند. به همین دلیل، خاطرات اسکندری در تبیین حوادث سال‌های ۱۳۲۵- ۱۳۳۰ ایران، سندی دست اول محسوب می‌گردد. در این کتاب، خواننده با داده‌ها و تحلیل‌های جالب و قابل تعمقی در این رابطه مواجه می‌شود که از جمله می‌توان به چگونگی پیدایش غائله آذربایجان، روابط شوروی و آمریکا در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴ (دوران روزولت) و بازتاب آن در تحولات داخلی ایران اشاره کرد.
خاطرات اسکندری حاصل گفت‌وگوهای مشروحنی است، که از اواخر سال ۱۳۶۲ تا ۲۸ اسفند ۱۳۶۳ در پاریس، با دو نفر از کادرهای پیشین حزب توده (خسرو امیرخسروی و فریدون آذرنور) انجام داد. پس از درگذشت اسکندری و تعمیق بحران در بقایای حزب توده، امیرخسروی و آذرنور تصمیم به انتشار این گفت‌وگوها گرفتند. متن نوارها از سوی یکی دیگر از اعضای پیشین کمیته مرکزی حزب توده(محسن عاشورپور)، پیاده شد و به دست شیوا فرهمندراد (از اعضای سابق حزب توده) تنظیم شد.
نخست خاطرات سیاسی ایرج اسکندری، در مردادماه ۱۳۶۶ و به وسیله «جنبش توده‌های مبارز انضفالی، در اروپای غربی به چاپ رسید و مجلدات دوم، سوم و چهارم آن، به دست همین گروه که اینک به حزب دمکراتیک مردم ایران تغییر نام داده بود، در سال‌های ۱۳۶۷- ۱۳۶۸ منتشر شد...»

تحلیلگران دهه ۷۰ را، در وجه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اش، بافتشانات، آشوب‌ها و تبعات سیاسی پس از آن به یادی می‌آورند. نقطه اوج اینگونه حرکت‌ها، حادثه کوی دانشگاه تهران بود. البته پیش از آن و در نیمه اول دهه ۷۰، برخی حرکت‌های اعتراضی که ماهیت اقتصادی داشت؛ شکل گرفته بود. در واقع با پایان جنگ، دولت وقت تصمیم گرفت تا اصل را بر توسعه اقتصادی قرار دهد. این در حالی بود که با وجود خیل ظلمی بی‌کاران، برنامه‌های دولت سازندگی از مسیر عدالت اقتصادی و فرهنگی عبور نمی‌کرد. همین مسئله موجب شد، تا روزبه‌روز فاصله طبقاتی در کشور بیشتر و واکنش‌های بی‌پایه تورم ۵۰ درصدی در چندشهر شکل گیرد. نخستین اعتراضات، مربوط به نهم و دهم خرداد ۱۳۷۱ در شهر مشهد است. این اعتراض که کم کم چهره آشوب به خود گرفت؛ از کوی حاشیه‌نشین طلاب آغاز و به سرعت به مرکز شهر سربت کرد لذا برای دریافت اطمینان اجتماعی دهه ۷۰، بهتر است ابتدا به بررسی علل اعتراضات نیمه‌نخست این دهه پیرزادیم، چراکه فاصله طبقاتی ایجاد شده در دولت سازندگی به نوعی سرآغاز فاصله گرفتن بخش‌هایی از جامعه دولتمردان بود.

■ **آغاز واکنش‌ها از کوی طلاب مشهد!**

در محدوده خیابان طبرسی مشهد و در مجاورت حرم امام هشتم (ع)، محله‌ای با قدمتی ۶۰ ساله قرار داشت؛ که به کوی طلاب مشهور بود. زمین این محله را آیت‌الله میرزا حسین فقیه سبزواری، از علمای حوزه مشهد، در سال ۱۳۳۸ برای اسکان طلاب بی‌ضاعت حوزه به این شهر، از استان قدس رضوی(ع) اجاره کرده بود. البته با این شرط که طلاب به مدت ۲سال، از پرداخت اجاره معاف بوده و شروع اجاره به شرط تملیک، از آغاز سال بیست و یکم باشد. این زمین به ۲هزار و ۵۰۰قطعه کوچک تقسیم شده و شروع فرعه کشی، در اختیار طلاب جوان حوزه مشهد قرار گرفت. آیت‌الله سبزواری، در زمان حیات، برای فراهم ساختن امکانات شهری این محله تلاش بسیاری کرد، ولی راه‌ها و گذشتن زمان، به بزرگ‌ترین جز حاشیه‌نشینان مشهدمبدل شد.طلاب ساکن محله، کم‌کم خانه‌هایشان را به افراد دیگری فروختند و ترکیب متنوع تر شد. از طرفی با پیروزی انقلاب اسلامی، توسعه حرم رضوی نیز در دستور کار تولیت قرار گرفت. در این میان کوی طلاب، از جمله گزینه‌های مسئولان شهر مشهد برای اجرای طرح توسعه حرم رضوی بود. این مسئله اما به محل مناقشه اهالی و مسئولان شهر مشهد مبدل شد.

## راهییمایی میلیونی مردم در ۹دی ماه و همچنین حضور دهها میلیونی مردم نقطه پایانی بود بر چند ماه باغی‌گری عده‌ای اندک که با بیانیه‌های میرحسین موسوی و تحریک‌های غرب، خیابان‌های تهران را به آشوب کشانده بودند. حضور مردم در این دو روز سر نوشت ساز، چنان مهم بود که تمامی رسانه‌های خارجی و دشمنان قسم خورده نظام جمهوری اسلامی را، مات و میهوت ساخت و خط آشوب را شکستی سنگین مواجسه کرد

# عاریخ

تاریخ ۶۰۰۶۰۸۵۲۳



دهه‌های ۷۰ و ۸۰، اغتشاشات و عوامل ایجاد و شکست

# پیوند سیاست و اقتصاد در برافروختن آتش آشوب

این کش مکش‌ها ادامه داشت تا اینکه در نهم خردادماه ۱۳۷۱، علی‌چنتی استاندار وقت خراسان، دستور تخریب بخشی از کوی طلاب و دیگر مناطق حاشیه حرم را صادر کرد. این اقدام موجب درگیری میان مأموران و اهالی کوی طلاب شده و در جریان این واقعه، یک کودک دانش آموز کشته شد. مرگ این کودک، آتش خشم اهالی کوی طلاب را بیشتر کرد و موجب پیوستن اهالی دیگر محلات شهر به معترضین شد.
۴ گامتشرش اعتراضات و طی چند ساعت، گلزاری ۳ و ۴مشهد به دست عده‌ای تسخیر شده و با مسلح شدن عده‌ای، شهر از کنترل نیروهای امنیتی و انتظامی خارج گشت. در جریان این درگیری‌ها، چندین بانک و مؤسسه اقتصادی وابسته به استان قدس رضوی به آتش کشیده و ساختمان شهرداری و چندین ساختمان دولتی دیگر نیز غارت شد. پس از دوروز شورش و شهادت چند نفر از مأموران و مردم عادی، غائله خامه می‌پاید. اما علی‌چنتی به رغم از تباطؤ زندیکش با مرحوم هاشمی فرسنجانی رئیس‌جمهور وقت، از سمت استانداری و امان عزل و به تهران فراخواند می‌شود.

■ **غائله در اسلامشهر**

مورد بعد، مربوط به بلوا در منطقه اسلامشهر است. اعتراضات مردم در این مرحله نسبت به گرانی‌ها به خصوص گردن‌کرایه تاکسی بود. در ۱۵ فروردین ۱۳۷۲، مردم محروم مناطق اکبرآباد و اسلامشهر به هنگام اعتصاب رانندگان مینی‌بوس‌ها و فقدان وسیله نقلیه برای رفتن به سر کار، وقتی بایی اعتنایی مسئولان مواجه شدند، دست به تظاهرات زدند. در مدت کوتاهی، دامنه این غائله به رباط کریم، سلطان‌آباد و صالح‌آباد نیز کشیده شد. جمعیتی که در خیابان‌ها به راه افتاده بودند، در مسیر خود به تخریب بانک‌ها، پمپ‌بنزین‌ها و فروشگاه‌ها و... پرداختند. این موج درگیری که یک شبانه‌روز به طول انجامید، خسارات زیادی به بار آورد.

■ **آشوب در شهر قزوین**

در مردادماه ۱۳۷۳، طرح استان شدن قزوین در مجلس رأی نیابورد. لذا مردم منطقه در سیزدهم همان ماه و در اعتراض به این مسئله، اقدام به بستن جاده‌های این شهر کردند. همچنین در جریان این وقایع به چندین سینما و بانک نیز خسارت وارد شد. این حرکته‌ها اما، با دخالت نیروی انتظامی شدت بیشتری نیز پیدا کرد. حتی حضور علی محمد بشارتی، وزیر کشور به نمایندگی از رئیس‌جمهور وقت نیز معترضان را آرام نکرد.

■ **حادثه کوی دانشگاه تهران**

برخلاف حوادث نیمه اول دهه ۷۰- که همگی ریشه در مشکلات اقتصادی و معیشتی داشت- حادثه کوی دانشگاه کلاماًسیاسی و با تحریک قشر دانشجویم خورد. ماجراز تجمع دانشجویان در تیرماه ۱۳۷۸، در اعتراض

## د

بر خلاف آشوب‌های نیمه اول دهه ۷۰ که همگی ریشه در مشکلات اقتصادی و معیشتی داشت، حادثه کوی دانشگاه کاملاً سیاسی و با تحریک دانشجویان رقم خورد. علاوه بر این اغتشاشات قبلی تقریباً با سکوت خبری همراه بودند؛ اما اخبار مربوط به حادثه کوی دانشگاه، هر لحظه از سوی برخی رسانه‌های داخلی و خارجی پوشش داده می‌شدد. به گونه‌ای که برخی روزنامه‌های موسوم به اصلاح‌طلب به واسطه انعکاس چنین اخباری، در روز دو یاسه چاپ جداگانه داشتندا

تلاش برای بزرگ‌نمایی حادثه رخ داده، آمار غیر واقعی از تلفات حادثه، نپرداختن به‌همه ابعاد حادثه، از جمله رویکردهای این دسته از مطبوعات کشور در آن رویداد به شمار می‌رود. در کنار فعالیت‌های شدید رسانه‌های داخلی در انحراف، تحریک و دروغ پردازی حادثه ۱۸ تیر، بخشی از رسانه‌های جهان نیز به کمک آنان آمده و در تحریک، تشدید بحران و تولید خشونت سنگ تمام گذاشتند! بخشی از این رسانه‌ها عبارت بودند از شبکه‌های تلویزیونی سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، الجزیره، سیمای مناقفین، تلویزیون عربی‌ای، ان‌ان، تلویزیون جمهوری آذربایجان، تلویزیون دولتی بوسنی، ان‌تی‌وی ترکیه، ان‌بی‌سی، فاکس نیوز آمریکا، سی‌بی‌اس آمریکا، تی‌وی پنج و ال، ٹی‌فرانسه، ملی اسپانیا و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی زبان ضد انقلاب. شبکه‌های رادیویی چون: رادیو رژیم صهیونیستی، آمریکا، بی‌بی‌سی، کویت، بین‌المللی فرانسه، منافقین، بخش عربی رادیو رژیم صهیونیستی، رادبو امان، دبی، بغداد، رادیو بوسنی، رادیو ۲۴ ساعته، رادیو آزادی و رادیو صدای ایران. این رسانه‌ها بدون اینکه به‌اخبار رسمی دولت اشاره‌ای داشته باشند به اخبار عوامل ضد انقلاب پوشش داده و اراذل و اوباش که به غارت بازار و هجوم به بانک‌ها و اماکن عمومی و خودروها پرداخته بودند را، دانشجو و مخالف سیاسی عنوان می‌کردند. نقش رسانه در وقوع و ادامه غائله ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ به گونه‌ای است که برخی تحلیلگران، مطبوعات را عامل اصلی حادثه کوی دانشگاه دانستند. حتی رهبری نیز در خصوص نقش رسانه در حادثه ۱۸ تیر، در نماز جمعه ۸مردادماه اظهار داشتند: «از طرفی، یک شبکه جنگ روانی علیه ایران و نظام اسلامی در سطح تبلیغات جهانی به وجود آوردند. غیر از رادبوه‌های معمولی که علیه نظام اسلامی رژیم صهیونیستی، رادیوی انگلیس- آمریکا یا هم‌کارانش که رادیو تلویزیونی رژیم صهیونیستی، رادیوی ملی ایران، پاریس، آزاد ی و...با اختصاص محوریت برنامه‌های خود به این مسئله و انجام مصاحبه‌ها و میزگردهای متعدد، تماماً به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی می‌پرداختند. جالب است که این نامزد‌های ناکام مانده که مدعی پیروزی از راه امام خمینی بودند، هیچگونه اعلام از تجاری‌از این کشور‌ها نمی‌کردند!

لذا در این دوران نیز همچون نوبت قبل، شاهد فضایسازی گسترده علیه نهاد رهبری هستیم. البته در این مقطع، تصویر اسام خمینی نیز از سوی اغتشاشگران مورد اهانت قرار می‌گیرد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که میرحسین موسوی و مهدی کروبی در تمامی آن دوره، ادعای پیروزی از راه امام را داشتند، ولی در عمل نشان دادند که هیچگونه پایبندی به اصول ارزشی مدنظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ندارند. رهبر معظم انقلاب در واکنش به این اقدام گفتند: «این اهانت بزرگ، نتیجه آن قانون شکنی‌ها و دل‌خوش کردن به تشویق‌های رسانه‌های بیگانه بود و حالا که این خطاها و کارهای اشتباه انجام شده، پارتی‌پنهان‌گران آن‌ن به فلسفه‌هایی و استدلال تراشنی روی آوردند... عده‌ای با شعار طرفداری از قانون، عمل خلاف قانون انجام می‌دهند. این عده نسبت به امام چنین گناه بزرگی انجام شده و دشمنان با خوشحالی، براساس این اقدامات تحلیل‌کنند و بعد هم بر ضد مصالح ملی و ملت ایران، تصمیم بگیرند. مشکل اصلی، همین حرف‌ها و عمل‌های فریباکارانه و غیرالوگدی قضاست...»

■ **عاشورای ۸۸ و پایان آشوب سبز**
نه‌ایندار روز عاشرای سال ۸۸، جماعتی که خود را از بدنه و بقایای جنبش سبز می‌خوانند؛ با سوءاستفاده از حضور مردم در تکیا و مناسجهت، در خیابان انقلاب و آزادی تهران حاضر شده و به تخریب بانک‌ها، مغازه‌ها و ضرب و شتم نیروهای پلیس پرداختند. این عده با سر دادن شعارهای تند همچون «هرگ بر اصل ولایت فقیه»، بار دیگر هویت خود را آشکار ساخته و ضدیت خود را با اصول اولیه خط امام، رهبری و قانون اساسی نشان دادند. با این همه راهپیمایی میلیونی مردم در ۹دی‌ماه و همچنین حضور دهها میلیونی ملت ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمین ماه همان سال، نقطه پایانی بود بر چند ماهه باغی‌گری عده‌ای اندک که با بیانیه‌های میرحسین موسوی و تحریکات غرب، خیابان‌های تهران را به آشوب کشاندە بودند. حضور مردم در این دو روز سر نوشت‌ساز، چنان مهم بود که تمامی رسانه‌های خارجی و دشمنان قسم خورده نظام جمهوری اسلامی را، مات و میهوت ساخت و خط آشوب را شکستی سنگین مواجه کرد.

■ **جنبش سبز یا آتش نابودی؟**

دومین دور از اغتشاشاتی که مبتنی بر مسائل سیاسی و باز هم در بهره‌گیری از نسل جوان صورت گرفت، مربوط به دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران است. در پی اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران و اعلام پیروزی مجدد محموداحمدی‌نژاد، خیابان‌ها و برخی میادین تهران و چند استان کشور، از سوی حامیان میرحسین موسوی، که به نحوه شمارش آرا اعتراض داشتند به آشوب کشیده شد. موسوی که از همان ساعات پایانی ۲۲خردادماه خود را پیروز انتخابات نامیده بود، به هیچ وجه باور نداشتت که رقیبش توانسته باشد، ۱۱ میلیون بیشتر از او رأی آورده باشد. لذا از همان ابتدا با پیش کشیدن موضوع تقلب در انتخابات توانست، بر احساسات برخی جوان حامی خویش حاکم وطی چندماه، نظم کشور را مختل نماید.البته برخی معتقدند که این جنجال‌ها با مناظره تلویزیونی محمود احمدی‌نژاد و میرحسین موسوی، دورقیب انتخابات دهم ریاست جمهوری کلید خورد و با اعلام نتیجه انتخابات در ۲۳خردادماه، وارد فاز جدیدی گشت. ایالات متحده امریکا نیز که از سال‌ها قبل

برای چنین موقعیتی سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کرده بوده دست به کار شد. در این دوره شبکه‌های اجتماعی با مدبریت و حمایت ویژه ایالات متحده تلاش می‌کردند، ضمن ایجاد بحران مشارکت از طریق الفای تقلب در انتخابات، مشروعیت نظام را به نقد بکشند و در نتیجه مردم را علیه حاکمیت تهییج و تحریک کنند. لذا رسانه‌های سنتی از جمله خبرگزاری‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های نوینی مانند سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک، توئیتر) به عنوان عوامل اصلی ایجاد تهدید و طی چندماه، پیچیده‌ترین شیوه‌های عملیات روانی را برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه ایرانی و شوراندن آنها علیه حاکمیت به کار بستند. از سوی دیگر در این دوران، کنگره آمریکا قطعنامه‌ای در حمایت از آشوبگران مدعی جنبش سبز صادر می‌کند. حمایت کنگره آمریکا از آشوبگران اخیر بودجه‌های گزاف و متنوعی را برای تقویت جریان براندازی در ایران به تصویب رسانده است. از آن جمله می‌توان به اختصاص بودجه‌های ۴۵۵ میلیون دلاری، برای حمایت از جریان‌های برانداز و ادامه جنگ تر اشاره کرد.

■ **گردهمایی ضدانقلاب، در حمایت از جنبش موسوم به سبز!**

از نکات جالب توجه در خصوص وقایع ۱۳۸۸، حمایت گسترده گروهک تروریستی منافقین، جامعه بهائیان و سلطنت‌طلبان، تجزیه طلبان و گروهک تروریستی رنگی از اغتشاشگران است. حتی رضا پهلوی فرزند شاه معدهم نیز ضمن سخنرانی در کنگره آمریکا، خواستار سرمایه‌گذاری بیشتتر امریکا در توسعه تکنولوژی ارتباطی به منظور تعامل بیشتر با جریان ضد انقلاب می‌شود. در واقع آنان در قالب حمایت‌های موسوی و کروبی (نامزدهای ناکام و معترض در انتخابات)، در پی براندازی نظام و ضدیت بسا ولایت فقیه بودند. در این مقطع هم شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان (هم شبکه‌های تلویزیونی و هم رادیویی) همچون صدای آمریکا، بی‌بی‌سی و تلویزیون‌های ملی ایران، پاریس، آزاد ی و...با اختصاص محوریت برنامه‌های خود به این مسئله و انجام مصاحبه‌ها و میزگردهای متعدد، تماماً به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی می‌پرداختند. جالب است که این نامزد‌های ناکام مانده که مدعی پیروزی از راه امام خمینی بودند، هیچگونه اعلام از تجاری‌از این کشور‌ها نمی‌کردند!

لذا در این دوران نیز همچون نوبت قبل، شاهد فضایسازی گسترده علیه نهاد رهبری هستیم. البته در این مقطع، تصویر اسام خمینی نیز از سوی اغتشاشگران مورد اهانت قرار می‌گیرد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که میرحسین موسوی و مهدی کروبی در تمامی آن دوره، ادعای پیروزی از راه امام را داشتند، ولی در عمل نشان دادند که هیچگونه پایبندی به اصول ارزشی مدنظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ندارند. رهبر معظم انقلاب در واکنش به این اقدام گفتند: «این اهانت بزرگ، نتیجه آن قانون شکنی‌ها و دل‌خوش کردن به تشویق‌های رسانه‌های بیگانه بود و حالا که این خطاها و کارهای اشتباه انجام شده، پارتی‌پنهان‌گران آن‌ن به فلسفه‌هایی و استدلال تراشنی روی آوردند... عده‌ای با شعار طرفداری از قانون، عمل خلاف قانون انجام می‌دهند. این عده نسبت به امام چنین گناه بزرگی انجام شده و دشمنان با خوشحالی، براساس این اقدامات تحلیل‌کنند و بعد هم بر ضد مصالح ملی و ملت ایران، تصمیم بگیرند. مشکل اصلی، همین حرف‌ها و عمل‌های فریباکارانه و غیرالوگدی قضاست...»

■ **عاشورای ۸۸ و پایان آشوب سبز**
نه‌ایندار روز عاشرای سال ۸۸، جماعتی که خود را از بدنه و بقایای جنبش سبز می‌خوانند؛ با سوءاستفاده از حضور مردم در تکیا و مناسجهت، در خیابان انقلاب و آزادی تهران حاضر شده و به تخریب بانک‌ها، مغازه‌ها و ضرب و شتم نیروهای پلیس پرداختند. این عده با سر دادن شعارهای تند همچون «هرگ بر اصل ولایت فقیه»، بار دیگر هویت خود را آشکار ساخته و ضدیت خود را با اصول اولیه خط امام، رهبری و قانون اساسی نشان دادند. با این همه راهپیمایی میلیونی مردم در ۹دی‌ماه و همچنین حضور دهها میلیونی ملت ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمین ماه همان سال، نقطه پایانی بود بر چند ماهه باغی‌گری عده‌ای اندک که با بیانیه‌های میرحسین موسوی و تحریکات غرب، خیابان‌های تهران را به آشوب کشاندە بودند. حضور مردم در این دو روز سر نوشت‌ساز، چنان مهم بود که تمامی رسانه‌های خارجی و دشمنان قسم خورده نظام جمهوری اسلامی را، مات و میهوت ساخت و خط آشوب را شکستی سنگین مواجه کرد.

۱۳۸۸، تصاویری از آشوب در تهران، در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری

به بسته‌شدن روزنامه «سلام» و در خوابگاه کوی دانشگاه آغاز شد. علت توقیف روزنامه سلام این بود که در بازدمم تیرماه، نامه به اصطلاح محرمانه منسوب به سعیدامامی به قربانعلی‌دری نجف‌آبادی وزیر وقت اطلاعات، در خصوص مفاد قانون جدید مطبوعات را منتشر کرده بود. از سرپند همین موضوع، عده‌ای با هویت نامعلوم و در ساعت ۲۱پنج‌شنبه ۱۷تیرماه، با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراض‌آمیز نسبت به توقیف سلام، در مقابل سینمای کوی دانشگاه تجمع کرده و به پیش‌ا اعلامیه و تحریک دانشجویان پرداختند. این عده پس از یک ساعت، از کوی خارج شده و با سردادن شعار به تعدادی خودرو و حملهور شده و با مأموران انتظامی نیز درگیر شدند. درگیری‌ها، محدود به آن شب نماند و به مدت چهار روز ادامه یافت. در آن روزها دامنه درگیری میان معترضان و مأموران انتظامی، محدود به کوی و خیابان انقلاب تهران انماند و نقاط دیگر شهر چون: خیابان جمهوری اسلامی، ناصرخسرو بازار تهران و چنداستان دیگر هم کشیده شد. از جمله اقدامات آشوبگران، باره کردن تصویر رهبری و سردادن شعارهایی چون: «هی کشم می‌کشم آنکه برادرم نکند»، «مردم نارنجستین، ایران شده فلسطین...» و به حمایت قاطع از دانشجویان به سرانجام حمله شده بود؛ پرداختند. اما در دوره دوم یعنی از روز ۷/۴/۷۸ و به دنبال هشدار رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه دشمن قصد سوءاستفاده از این حوادث برای ضربه زدن به امنیت ملی را دارد، لخط تشدید آشوب را دنبال کردند. این روزنامه در دوره اول با تحلیل‌ها، مصاحبه‌ها و اخبار خود به تحریک و تهییج دانشجویمان پرداخته و نیروهای بسیج، انتظامی و امنیتی را، متهم به خشونت طلبی و آشوبگری می‌کردند. علاوه بر آن با حمایت از آشوبگرانی که به تخریب بانک‌ها و ساختمان‌های می‌پرداختند، آنها را تشویق به مقاومت و استمرار اعتراضات می‌نمودند. بازار

■ **نقش رسانه‌ها در تشدید نا آرامی‌های کوی**

برخلاف حوادث نیمه اول دهه ۷۰ که تقریباً با سکوت خبری همراه بودند، اخبار مربوط به حادثه کوی دانشگاه، هر لحظه، به وسیله برخی رسانه‌های داخلی و خارجی پوشش داده می‌شد. به گونه‌ای که برخی روزنامه‌های موسوم به اصلاح‌طلب به واسطه انعکاس چنین اخباری، در روز دو یا سه چاپ جداگانه داشتند! مساقله‌ها و گزارش‌های برخی از مطبوعات در این مدت به دو بخش کلی تقسیم می‌شود. این روزنامه‌ها در سه روز اول حادثه به حمایت قاطع از دانشجویان به سرانجام حمله شده بود؛ پرداخته و یک‌صدای خواستار برخورد با عاملان این حادثه بودند. اما در دوره دوم یعنی از روز ۷/۴/۷۸ و به دنبال هشدار رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه دشمن قصد سوءاستفاده از این حوادث برای ضربه زدن به امنیت ملی را دارد، لخط تشدید آشوب را دنبال کردند. این روزنامه در دوره اول با تحلیل‌ها، مصاحبه‌ها و اخبار خود به تحریک و تهییج دانشجویمان پرداخته و نیروهای بسیج، انتظامی و امنیتی را، متهم به خشونت طلبی و آشوبگری می‌کردند. علاوه بر آن با حمایت از آشوبگرانی که به تخریب بانک‌ها و ساختمان‌های می‌پرداختند، آنها را تشویق به مقاومت و استمرار اعتراضات می‌نمودند. بازار

■ **حادثه کوی دانشگاه تهران**
برخلاف حوادث نیمه اول دهه ۷۰- که همگی ریشه در مشکلات اقتصادی و معیشتی داشت- حادثه کوی دانشگاه کلاماًسیاسی و با تحریک قشر دانشجویم خورد. ماجراز تجمع دانشجویان در تیرماه ۱۳۷۸، در اعتراض



۱۳۸۸، تصاویری از آشوب در تهران، در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری